درآمدی بر نظریهٔ عدالت امام خمینی(ره) در عرصهٔ اقتصادی

سیدمحمد میرسندسی

در زمینهٔ نحوهٔعادلانه توزیع منابع اقتصاد ـ که عمده‌ترین مباحث عدالت را به خود اختصاص داده است ـ سه نظریه وجود دارد که می‌توان آنها را روی یک پیوستار نشان داده که در یک سوی آن عدالت به معنای مساوات‌طلبی محض بین همهٔ افراد (نظریهٔ‌های مارکسیستی) و در سوی دیگر آن عدالت به معنای نابرابری محض را.

با توجه به ویژگیهای آرای امام در زمینهٔ عدالت اجتماعی به این نتیجه می‌رسیم که نظریه امام خمینی در مورد عدالت در گروه نظریه‌های‌بینابینی قرار داده. این ویژگیها عبارتند از:

۱ ـ حمایت از محرومین و مستضعفان

۲ ـ عدم پذیرش شکاف شدید طبقاتی

نکات مهم زیر از این بحث نتیجه‌گیری می‌شود:

۱ ـ حضرت امام معتقدند استعمار و دولتهای وابسته به آن موجب ایجاد نابرابریهای شدید طبقاتی درکشورهای جهان سوم می‌شود.

۲ ـ یکی از جهتگیریهای اصلی حضرت امام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تغییر وضعیت طبقاتی جامعه برای تحقق عدالت اجتماعی بود.

۳ ـ نگرش حضرت امام در مورد از بین رفتن شکاف طبقاتی مبدل به یک نگرش سوسیالیستی نمی‌شود.

۴ ـ حضرت امام محرومیت و استضعاف را یک پدیدهٔ عارضی می‌دانند که متأثر از روابط اقتصادی وابسته نظامهای سیاسی قبل از انقلاب بوده است.

۵ ـ نظریهٔ عدالت حضرت امام خمینی می‌تواند به عنوان محور و اساس حرکت و برنامه‌ریزی در نظام اقتصادی جامعه قرارگیرد.